

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2026; 18: e12

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Critical Discourse Analysis of the Rituals of Purity in the Ardā Wirāz Nāmag: From the Cosmic Order to a Socially Meaning-Making Framework

Maryam Sadat Bodala¹, Maedeh Alipour¹, Maryam Mohseni Seifabadi^{2,3*}

1. Department of History of Medical Sciences, Faculty of Health and Religion, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.

2. Department of History of Medicine, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Department of Health, Safety and Environment, Applied Science Center of Development and Construction of Salafchegan Special Economic Zone of Qom, University of Applied Science & Technology, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In the Zoroastrian worldview, the boundary between "pure and impure" is not merely a ritual or hygienic category but rather a meaning-making system that contributes to the regulation of social relations and collective identity. Previous studies on the Ardā Wirāz Nāmag have been predominantly descriptive and content-oriented, with none having approached the rituals of purity from a discourse-analytic perspective. The present study aims to address the question of how the discourse of "purity" in the Ardā Wirāz Nāmag is transformed into a meaning-giving and ordering framework through specific linguistic and discursive mechanisms. The significance of this research lies in offering a model for analyzing the ordering functions of purity and impurity systems in ancient societies.

Methods: This research was conducted using a documentary-library approach and Fairclough's critical discourse analysis method. The unit of analysis was the edition of the Ardā Wirāz Nāmag by Jignoux and Amouzgar (1993). To mitigate the risk of anachronism, the analysis was carried out through a dual approach: an emic (insider) perspective, grounded in ancient Zoroastrian texts, and an etic (outsider) perspective, aimed at uncovering the objective functions of the discourse.

Ethical Considerations: The study is based on the analysis of historical texts and involved no intervention concerning living individuals; therefore, it did not require approval from an ethics committee.

Results: At the textual level, the binary opposition of "pure/impure" (occurring over 60 times), along with imperative verbs and deontic modality, has created a clear and unambiguous framework. At the level of discursive practice, intertextuality with ancient Zoroastrian texts lends historical legitimacy to the prescriptions of purity; the metaphors "heaven = health" and "hell = sickness" naturalize these concepts, while mechanisms of reward and punishment activate self-surveillance. At the level of social practice, the discourse of purity has served multiple ordering functions: regulating gender relations through prescriptions concerning menstruation (daštān) and coitus (mujāma'at), thereby contributing to family cohesion; legitimizing social order by equating purity with righteousness; and reinforcing collective identity by delineating the boundaries between "us" and "the other."

Conclusion: The Ardā Wirāz Nāmag stands as a remarkable example of the transformation of a cosmic-hygienic system into a meaning-giving and ordering framework. "Purity" in this book constitutes a discursive apparatus that contributes to rendering the world meaningful, reducing anxiety, and fostering social cohesion. This study demonstrates that systems of "purity and impurity" have performed universal functions in regulating both individual and collective life.

Keywords: Ardā Wirāz Nāmag; Critical Discourse Analysis; Cosmic Order; Ritual Purity; Metaphysics; Ancient Medical History

Corresponding Author: Maryam Mohseni Seyfabadi; **Email:** mohsenim@razi.tums.ac.ir

Received: February 18, 2026; **Accepted:** July 29, 2026; **Published Online:** October 08, 2026

Please cite this article as:

Bodala MS, Alipour M, Mohseni Seifabadi M. Critical Discourse Analysis of the Rituals of Purity in the Ardā Wirāz Nāmag: From the Cosmic Order to a Socially Meaning-Making Framework. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2026; 18: e12.



تحلیل گفتمان انتقادی آداب طهارت در ارداویرافنامه:

از نظام کیهانی تا چارچوب معنابخش اجتماعی

سیده مریم بدلا^۱ ID، مائده علیپور^۱، مریم محسنی سیفآبادی^{۲،۳} ID

۱. گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
۲. گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
۳. گروه ایمنی، سلامت و محیط زیست، مرکز علمی کاربردی توسعه و عمران منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان قم، دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در جهان‌بینی زرتشتی، مرز «پاکی و ناپاکی» نه صرفاً یک مقوله‌ی آیینی یا بهداشتی، بلکه نظامی معنا ساز است که به سامان‌دهی روابط اجتماعی و هویت جمعی یاری می‌رساند. پژوهش‌های پیشین درباره ارداویراف‌نامه عمدتاً توصیفی محتوایی بوده و هیچ‌یک از منظر تحلیل گفتمان به آداب طهارت نپرداخته‌اند. هدف پژوهش حاضر، واکاوی این پرسش است که گفتمان «طهارت» در ارداویراف‌نامه، از طریق چه سازوکارهای زبانی و گفتمانی، به چارچوبی معنابخش و نظم‌دهنده تبدیل می‌شود. اهمیت این پژوهش در ارائه الگویی برای تحلیل کارکردهای نظم‌بخش نظام‌های پاکی و ناپاکی در جوامع باستانی است.

روش: این پژوهش با رویکرد اسنادی - کتابخانه‌ای و به روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام شده است. واحد تحلیل، تصحیح ژینیو و آموزگار (۱۳۷۲ ش.) از ارداویراف‌نامه بود. برای کاهش خطر زمان‌پریشی، تحلیل با دو رویکرد درون‌گرا - مبتنی بر متون کهن زرتشتی - و برون‌گرا - برای کشف کارکردهای عینی گفتمان - صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش بر پایه تحلیل متون تاریخی است و هیچ مداخله‌ای در ارتباط با افراد زنده صورت نگرفته؛ از این‌رو، نیاز به تأیید کمیته اخلاق نداشته است.

یافته‌ها: آیین در لایه متنی، دوگانه‌سازی «پاک / ناپاک» (بیش از ۶۰ بار) همراه با افعال امری و وجهیت قطعی، چارچوبی روشن و بی‌ابهام آفریده است. در لایه کنش گفتمانی، بینامتنیت با متون کهن زرتشتی به احکام طهارت مشروعیتی تاریخی می‌بخشد؛ استعاره‌های «بهشت - سلامت» و «دوزخ - بیماری» این مفاهیم را طبیعی‌سازی می‌کنند و سازوکارهای ترس و پاداش، خود - نظارتی را فعال می‌سازند. در لایه کنش اجتماعی، گفتمان طهارت کارکردهای نظم‌بخشی چندگانه‌ای داشته است: سامان‌دهی روابط جنسیتی از طریق احکام دشتان و مجامعت که به تحکیم خانواده یاری می‌رساند؛ مشروعیت‌بخشی به نظم اجتماعی از طریق هم‌ارزی پاکی با درست‌کاری؛ و تقویت هویت جمعی از راه تعیین مرزهای «خودی» در برابر «دیگری».

نتیجه‌گیری: ارداویراف‌نامه نمونه‌ای برجسته از دگرگونی یک نظام کیهانی - بهداشتی به چارچوبی معنابخش و نظم‌دهنده است. در این کتاب «طهارت» دستگاهی گفتمانی به شمار می‌رود که به معناداری جهان، کاهش دلهره و ایجاد انسجام اجتماعی یاری می‌رساند. این پژوهش نشان می‌دهد که نظام‌های «پاکی و ناپاکی» کارکردهایی جهان‌شمول در نظم‌بخشی به زندگی فردی و جمعی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ارداویراف‌نامه؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ نظام کیهانی؛ طهارت آیینی؛ مابعدالطبیعه؛ تاریخ پزشکی باستان

نویسنده مسئول: مریم محسنی سیفآبادی؛ پست الکترونیک: mohsenim@razi.tums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Bodala MS, Alipour M, Mohseni Seifabadi M. Critical Discourse Analysis of the Rituals of Purity in the Ardā Wirāz Nāmāg: From the Cosmic Order to a Socially Meaning-Making Framework. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2026; 18: e12.

مقدمه

در جهان‌بینی زرتشتی، مرز میان «پاک» و «نجس» صرفاً یک مقوله بهداشتی یا آیینی نیست، بلکه نظامی معناساز است که به نظم‌بخشی روابط اجتماعی، جنسیتی و هویتی یاری می‌رساند. این مرز، در متون ساسانی مانند ارداویرافنامه، نه به عنوان دستورالعملی عینی و خنثی، بلکه به عنوان گفتمانی ظاهر می‌شود که از طریق سازوکارهای زبانی و بینامتنی، چارچوبی معنابخش برای زندگی جمعی فراهم می‌آورد.

ارداویرافنامه، معراج‌نامه‌ای به زبان پهلوی ساسانی، روایت سفر روحانی موبدی به نام ارداویراف (یا ارداویراز) به جهان دیگر است (۱). این کتاب، به احتمال زیاد در دوره خسرو انوشیروان (قرن ششم میلادی) تدوین شده است (۲). اگرچه ظاهراً گزارشی از باورهای آن‌جهانی زرتشتیان به دست می‌دهد، اما چنانچه خواهد آمد، در لایه‌ای عمیق‌تر، بازتابی از راهکارهای نظم‌بخشی جامعه ساسانی روزگار خود است. از میان معراج‌نامه‌های هم‌دوره (مانند معراج زرتشت (۳)، معراج گشتاسب (۴)، کتیبه‌های کرتیر و نسک بیستم زند به نام هاؤخت نسک (۲) ارداویرافنامه مبسوط‌ترین و کامل‌ترین روایت را ارائه می‌دهد.

پژوهش‌های پیشین بر ارداویرافنامه عمدتاً در قالب دو رویکرد قابل دسته‌بندی است:

۱. مطالعات فیلولوژیک و متن‌شناختی که بر بازسازی متن پهلوی، ترجمه و زمینه‌یابی تاریخی آن متمرکز بوده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به ترجمه منظوم بهرام پژدو (قرن هفتم ه.ق.)، ترجمه‌های نثر معاصر رشید یاسمی (۱۳۴۱ ش.) (۵)، رحیم عفیفی (۱۳۴۲ ش.) (۶)، مهرداد بهار (۱۳۶۲ ش.) (۷) و سرانجام تصحیح انتقادی فیلیپ ژینیو و ژاله آموزگار (۱۳۷۲ ش.) (۱) اشاره کرد که یکی از معتبرترین نسخه‌های علمی موجود را فراهم آورده‌اند.

۲. تحلیل‌های محتوایی توصیفی که ساختارهای اجتماعی، خانوادگی یا اقتصادی دوره ساسانی را از متن استخراج کرده‌اند. از آن جمله‌اند: مقاله سیما سلطانی (۱۳۸۴ ش.) با عنوان گناهان زنان در ارداویرافنامه (۸)، دو مقاله از علی ربیع‌زاده و میرزا محمد حسنی (۱۳۹۶ ش.) با عناوین بررسی

ساختار نهاد خانواده در دوره ساسانی به استناد ارداویرافنامه (۹) و همچنین بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویرافنامه (۱۰) و مقاله محمد بهرامی و شهناز حجتی نجف‌آبادی (۱۴۰۰ ش.) با عنوان وضعیت زنان در نظام اجتماعی ساسانیان در عصر پسمزدکی و تأثیر آن در تألیف ارداویرافنامه (۱۱).

با این حال، هیچ یک از پژوهش‌های پیشین به تحلیل گفتمان «آداب طهارت» در ارداویرافنامه با رویکردی نظام‌مند نپرداخته‌اند. این شکاف روش‌شناختی، نه‌تنها درک ما را از سازوکارهای معناساز در این متن محدود کرده، بلکه فرصت فهم چگونگی تبدیل «طهارت» از یک مفهوم آیینی به چارچوبی برای نظم اجتماعی را نیز از دست داده است.

پژوهش حاضر برای پر کردن این شکاف، از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف (۱۹۹۲ م.) استفاده می‌کند (۱۲). کاربست این نظریه معاصر بر متون پیشامدرن، مستلزم توجیه روش‌شناختی دقیق برای اجتناب از زمان‌پریشی (Anachronism) است.

پرسش اصلی پژوهش آن است که گفتمان طهارت در ارداویرافنامه چگونه و از طریق کدام سازوکارهای زبانی و گفتمانی به چارچوبی معنابخش و نظم‌دهنده تبدیل می‌شود و به سامان‌دهی روابط جنسیتی، ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت هویت جمعی یاری می‌رساند؟

این پژوهش از کاربست نظام‌مند سه‌لایه فرکلاف بر ارداویرافنامه و ترکیب دو رویکرد درون‌گرا (Emic) و برون‌گرا (Etic) بهره می‌گیرد و هدف آن نشان دادن این است که «طهارت» نه صرفاً یک مفهوم آیینی، بلکه دستگاهی گفتمانی با کارکردهای معناساز و نظم‌بخش است.

اهمیت پژوهش در آن است که با به‌کارگیری نظام‌مند تحلیل گفتمان انتقادی بر متنی کهن، نه‌تنها به بررسی ابعاد نادیده‌گرفته‌شده ارداویرافنامه می‌پردازد، بلکه با نشان دادن کارکردهای نظم‌بخش گفتمان طهارت در جامعه ساسانی، الگویی برای فهم نقش نظام‌های «پاکی و ناپاکی» در ایجاد همبستگی اجتماعی و هویت جمعی در جوامع باستانی ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، کاربست رویکرد دوگانه درون‌گرا /

برون‌گرا در این پژوهش، راهکاری روش‌شناختی برای به کارگیری نظریه‌های معاصر بر متون پیشامدرن ارائه می‌کند که می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تحلیل سایر متون دینی - تاریخی نیز به کار رود.

روش

پژوهش حاضر با شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) انجام شده است (۱۲). واحد تحلیل، متن ارداویرافنامه به تصحیح فیلیپ ژینیو و ترجمه ژاله آموزگار (۱۳۷۲ ش.) است که یکی از معتبرترین ویرایش‌های موجود محسوب می‌شود (۱). به منظور نظام‌مندی فرآیند تحلیل و افزایش دقت در استخراج الگوهای گفتمانی، داده‌ها طی یک فرآیند کدگذاری هدفمند و دستی (Manual Coding) بررسی شدند. با توجه به ماهیت تفسیری تحلیل گفتمان انتقادی و نیاز به درک عمیق بافتار (Context) در متون کهن پهلوی، خوانش مکرر و غوطه‌وری در متن (Data Immersion) در اولویت قرار گرفت. فرآیند کدگذاری در دو مرحله انجام شد: کدگذاری باز برای استخراج مضامین اولیه از دل متن و کدگذاری محوری برای دسته‌بندی آن‌ها در گروه‌های معنایی و مقولات کلان‌تر.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. لایه متنی (Text Analysis): بررسی ساختارهای زبانی شامل بسامد و بافت واژگان دوگانه «پاک / نجس»، افعال امری و نهی، الگوهای تکرار، وجهیت (Modality) جملات، و کنش‌های گفتاری در توصیف گناهان و مجازات‌ها؛

۲-۱. لایه عمل گفتمانی (Discursive Practice Analysis): تحلیل فرآیندهای تولید، توزیع و مصرف متن؛ روابط بینامتنی با متون کهن زرتشتی (اوستا، وندیداد، مینوی خرد)؛ مکانیسم‌های ترس و پاداش؛ و بازنمایی تقابل بهشت / دوزخ به مثابه استعاره‌های سلامت / بیماری؛

۳-۱. لایه عمل اجتماعی (Social Practice Analysis): کشف چگونگی تعامل گفتمان طهارت با ساختارهای کلان اجتماعی در جامعه ساسانی و نقش آن در نظم‌بخشی به روابط جنسیتی، ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت هویت جمعی.

۲. محدودیت‌های روش‌شناختی: کاربرست نظریه معاصر بر متن باستانی: کاربرست نظریه‌های معاصر گفتمان بر متون پیشامدرن، همواره با چالش زمان‌پرسی همراه است؛ یعنی خطر تحمیل مفاهیم و دسته‌بندی‌های مدرن بر جهان‌بینی باستانی که چنین مفاهیمی را در خود ندارد. این چالش در مطالعه متون زرتشتی حادث می‌شود، زیرا در این سنت کیهان‌شناختی، «آلودگی» نه یک مسئله اجتماعی یا بهداشتی، بلکه تهدیدی برای نظم کیهانی و سلامت روح تلقی می‌شد (۱۳). به عبارت دیگر، آنچه امروز «بهداشت» نامیده می‌شود، در جهان‌بینی زرتشتی مفهومی کاملاً متفاوت یعنی «طهارت آیینی» با ریشه‌ای کیهانی‌شناختی است. برای کاهش این محدودیت، پژوهش حاضر از رویکرد دوگانه درون‌گرا / برون‌گرا پیروی کرده است:

۲-۱. رویکرد درون‌گرا: تمامی تحلیل‌های سه‌لایه، نخست با استناد به متون کهن زرتشتی (اوستا (۳)، وندیداد (۱۴) و مینوی خرد (۱۵) و در چارچوب جهان‌بینی درونی این سنت انجام شده است. به این معنا که مفاهیم «پاک» و «ناپاک» ابتدا به عنوان مقولاتی کیهانی - دینی تبیین شده‌اند. برای نمونه، محدودیت‌های دوره دشتان (قاعدگی) بر اساس باور زرتشتی به «حلول اهریمن در بدن زن در این دوره» توضیح داده شده است (۳، ۱۶)؛ باوری که در چارچوب خود نظام‌مند و معنابخش بوده است.

۲-۲. رویکرد برون‌گرا: پس از تبیین درون‌گرایی مفاهیم، در لایه سوم تحلیل (عمل اجتماعی)، کارکردهای عینی این گفتمان در جامعه ساسانی بررسی شده است. در این مرحله و بدون هیچ‌گونه قضاوت اخلاقی یا ارزشی، نشان داده می‌شود که چگونه این باورهای کیهانی به نظم‌بخشی به روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی یاری رسانده‌اند. تأکید می‌شود که این تحلیل به دنبال محکومیت یا تخطئه نیست، بلکه در پی فهم کارکردهای عینی یک نظام معنایی در بستر تاریخی خود است.

۳. فرآیند تحلیل: تحلیل پژوهش در چهار گام انجام شده است:

- خوانش مکرر و غوطه‌وری کامل در متن و انجام کدگذاری باز برای استخراج مفاهیم و مضامین اولیه؛

- دسته‌بندی کدها در مقولات محوری مرتبط با هشت حوزه طهارت که به صورت استقرایی از متن استخراج شد (عناصر طبیعت، مجامعت، فرزندآوری، دشتان، تدفین، تناول غذا، طبابت، بهداشت فردی - آرایشی)؛

- تحلیل هر یک از این مقولات در سه لایه فرکلاف با استفاده از رویکرد دوگانه درون‌گرا / برون‌گرا؛

- ترکیب یافته‌ها برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش.

یافته‌ها

ارداویراف‌نامه شرح معراج موبدی به نام ارداویراف است. مطابق نص کتاب، سوزانده شدن اوستا و زند به دست اسکندر سبب شک و اختلاف در دین می‌شود. موبدان بار اول در یک آزمایش دینی با ریختن روی گداخته بر سینه یک روحانی به نام انوشه روان حقیقت دین را جويا می‌شوند، اما پس از مدتی، شک و تردید دوباره در میان مردم رو به فرونی می‌رود. موبدان همه را به آتشکده فرنیغ فرامی‌خوانند و یک نفر برای رفتن به معراجی هفت روزه برگزیده می‌شود. ارداویراز پس از گذراندن آزمایش نیزه، علی‌رغم نگرانی و مخالفت هفت خواهرش، سر و تن خود را می‌شوید، جامه نو بر تن و بوی خوش استعمال

می‌کند، خوراک و می و مَنگ گشتاسبی می‌خورد و نیایش‌کنان به خواب می‌رود. روان او با مشایعت دو ایزد راهنما به نام سروش و آذر به عالم مینوی می‌رود. نخست از همیستگان (برزخ) می‌گذرد و سپس به بهشت می‌رسد و پس از گذشتن از طبقات سه‌گانه بهشت (ستاره‌پایه، ماه‌پایه و خورشید پایه) به گروثمان یعنی عرش اعلا (بهشت برین) راه می‌یابد و بعد از ملاقات بهمن امشسپند و اورمزد راهی دوزخ می‌شود و جایگاه و شکنجه‌های دوزخیان را که بیشترین روایات کتاب را به خود اختصاص داده‌اند، مشاهده می‌کند. او در پایان سفر دوباره در محضر اورمزد حاضر می‌شود و پس از شنیدن پنندهای او به سلامتی و آزادی به جسم خود بازمی‌گردد. موبدان هفت شبانه‌روز کنار وی اوستا و زند می‌خوانند تا روان او به جسمش بازگردد. ارداویراف بعد از بازگشت از عالم ملکوت دیده‌ها و شنیده‌های خود را بازگو می‌کند و دبیری آن را برای آیندگان ثبت می‌نماید (۱).

در ادامه بر اساس چارچوب سه‌لایه فرکلاف، چگونگی تبدیل گفتمان طهارت به چارچوبی معنابخش و نظم‌دهنده در این کتاب تحلیل می‌شود.

۱. لایه اول: تحلیل متنی: در این لایه، ساختارهای زبانی و واژگانی، الگوهای تکرار، افعال امری و نهی، و کنش‌های گفتاری گفتمان طهارت بررسی می‌شود.

جدول ۱: ساختارهای زبانی دوگانه «پاک / نجس» در ارداویراف‌نامه

ردیف	ویژگی زبانی	مصادیق از متن (شماره فصل) (۱)	کارکرد گفتمانی
۱	تقابل دوتایی «پاک / نجس»	«پاک‌تر و فرخ‌تر» (فصل ۸)، «نجس‌ترین و اهریمنی‌ترین» (فصل ۲۹)	ایجاد چارچوب روشن و بدون ابهام؛ هر کنش یا فرد در یکی از دو قطب قرار می‌گیرد.
۲	بسامد بالای واژگان طهارت	«پاک» و مشتقات: بیش از ۴۰ بار؛ «آلوده» و «ناپاک»: بیش از ۲۰ بار (سراسر فصول ۹۸-۱۶)	تثبیت طهارت به عنوان مقوله محوری جهان‌بینی
۳	افعال امری و الزامی	«باید پاک نگاه داشت» (فصل ۷)، «مکنید» (فصل ۲۲)، «بپرهیزید» (فصل ۵۱)	قراردادن راوی در جایگاه راهنما و مخاطب در جایگاه پیرو
۴	وجهیت قطعی	«بی‌گمان مجازات می‌شود» (فصل ۳۴)، «هرگز رهایی نیابد» (فصل ۴۲)	حذف ابهام؛ تغییرناپذیری و قطعیت احکام طهارت
۵	الگوی تکرارشونده «گناه-مجازات»	«آن کس که در جهان [کنش ناپاک] کرد، در آن جهان [مجازات مشخص] دید» (فصول ۹۸-۱۹، الگوی ثابت)	طبیعی‌سازی رابطه علی میان کنش دنیوی و پیامد اخروی؛ تثبیت این رابطه در ذهن مخاطب

تحلیل: دوگانه‌سازی «پاک / نجس» چارچوبی روشن و بدون ابهام برای تشخیص درست از نادرست فراهم می‌آورد. بسامد بالای این واژگان (بیش از ۶۰ بار در مجموع) نشان می‌دهد که طهارت مفهوم مرکزی جهان‌بینی کتاب است. افعال امری و وجهیت قطعی، هرگونه ابهام یا تفسیر جایگزین را از میان برمی‌دارند. الگوی تکرارشونده «گناه - مجازات» که در دهها فصل با ساختاری تقریباً یکسان تکرار شده، کارکردی القایی و

تثبیت‌کننده دارد: با تکرار مداوم، رابطه علی میان بی‌طهارتی و عذاب اخروی به عنوان «حقیقتی بدیهی» در ذهن مخاطب تثبیت می‌شود.

۲. لایه دوم: تحلیل عمل گفتمانی: در این لایه، روابط بینامتنی با متون کهن زرتشتی، بازنمایی بهشت / دوزخ به‌مثابه استعاره‌های سلامت / بیماری، و مکانیسم‌های ترس و پاداش به عنوان سازوکارهای خودنظارتی بررسی می‌شود.

جدول ۲: بینامتنی و مکانیسم‌های گفتمانی

ردیف	مؤلفه	مصادیق از متن (شماره فصل)	پیوند با متون کهن	کارکرد گفتمانی
۱	تقدس آب و آتش	آلودن آب و آتش با موی و شپش: عذاب سخت (فصل ۲۸، ۳۱، ۵۶)	وندیداد (فصل ۷-۵)؛ اوستا (یسن‌ها) (۳، ۱۴)	مشروعیت‌بخشی تاریخی: احکام طهارت سنتی الهی و دیرینه است.
۲	آیین برش‌نوم و نیرنگ	انجام نیرنگ و پادیاب برای ارداویراف پیش از معراج (فصل ۳)؛ توصیف مجازات ترک برش‌نوم (فصل ۷۳)	وندیداد (فصل ۸-۹)؛ شایست / ناشایست (۱۴، ۱۷)	پیوند متن با سنت آیینی زرتشتی
۳	استعاره «بهشت=سلامت»	بهشت: نور درخشان، بوی خوش، بدن جوان و سالم (فصول ۸-۱۵)	مینوی خرد (۱۵)	طبیعی‌سازی: پاکی اخلاقی با تجربه همگانی و مطلوب سلامت پیوند می‌خورد.
۴	استعاره «دوزخ=بیماری»	دوزخ: تاریکی، تعفن، درد، خورده شدن توسط حیوانات موزی (فصول ۹۸-۱۹)	وندیداد (فصل ۳، ۱۹) (۱۴)	ایجاد انگیزه برای دوری از ناپاکی
۵	مکانیسم پاداش	همنشینی با اهورامزدا، جوانی ابدی، لذت‌های حسی در بهشت (فصل ۸، ۱۲، ۱۵)	هادخت نسک (۴)	ترغیب به رعایت طهارت از طریق امید به پاداش
۶	مکانیسم ترس	توصیف دقیق عذاب‌ها: بریدن زبان، خورده شدن توسط مار و عقرب (فصول ۲۳، ۳۷، ۶۴، ۸۲)	دینکرد (۴)	بازداری از بی‌طهارتی از طریق آگاهی از پیامدهای منفی

تحلیل: ارداویراف‌نامه در شبکه‌ای پیچیده از روابط بینامتنی با متون کهن زرتشتی قرار دارد. این هماهنگی بینامتنی دو کارکرد اصلی دارد: (۱) مشروعیت‌بخشی - احکام طهارت به عنوان بخشی از سنتی دیرینه و الهی بازنمایی می‌شوند؛ (۲) تداوم فرهنگی - پیوند متن با سنت پیشین، حس تعلق به جامعه ایمانی را تقویت می‌کند.

استعاره‌های «بهشت=سلامت» و «دوزخ=بیماری» مفاهیم انتزاعی اخلاقی را به تجربیات ملموس جسمانی پیوند می‌زنند. این استراتژی بازنمایی، طبیعی‌سازی می‌کند: رعایت طهارت نه فقط یک وظیفه دینی، بلکه ضرورتی برای حفظ سلامت فردی و اجتماعی جلوه می‌کند.

مهم‌تر از همه این که مکانیسم‌های ترس و پاداش، نوعی خودنظارتی (Self-surveillance) را فعال می‌کنند. نهاد

همه را من می‌دانم» (فصل ۱۰۱) (۱) - این خودنظارتی را در چارچوب «نظارت الهی» تثبیت می‌کند.

۳. لایه سوم: تحلیل عمل اجتماعی: در این لایه، پرسش اصلی آن است که گفتمان طهارت در جامعه ساسانی چه کارکردهای نظم‌بخشی داشته است.

دینی نیازی به نظارت فیزیکی مستقیم بر تمام کنش‌های افراد ندارد؛ با درونی‌سازی آگاهی از پیامدهای اخروی، خود فرد به ناظر رفتار خویش تبدیل می‌شود. سخن پایانی اورمزد به ارداویراف - «هر چه پاکی و پدییابی که شما انجام می‌دهید ...

جدول ۳: دسته‌بندی احکام طهارت در ارداویراف‌نامه (زمینه‌های نظم‌بخشی اجتماعی)

ردیف	دسته طهارتی	تعداد موارد	نمونه احکام از متن (شماره فصل) (۱)	کارکرد اجتماعی (تحلیل در بخش بحث)
۱	عناصر طبیعت (آب، آتش، خاک، گیاه)	۱۰	آلودن آتش با مو و شپش ممنوع (فصل ۲۸، ۳۱)؛ شستن تن آلوده در آب راکد ممنوع (فصل ۵۶)	تقویت هویت جمعی از طریق حفظ پاکی عناصر مقدس طبیعت
۲	مجامعت	۱۸	لواط ممنوع (فصل ۳۷، ۴۲)؛ زنا ممنوع (فصل ۴۳)؛ نزدیکی با زن دشتان ممنوع (فصل ۷۴)	تحکیم خانواده و تنظیم روابط جنسی
۳	فرزندآوری	۵	سقط جنین ممنوع (فصل ۲۳)؛ امتناع از شیر دادن ممنوع (فصل ۶۲)	حفظ بقای جمعیت و حمایت از کودکان
۴	دشتان (قاعدگی)	۵	استفاده از آب و آتش در زمان دشتان ممنوع (فصل ۲۰، ۷۴)؛ پختن غذا در این دوره ممنوع (فصل ۷۵)	سامان‌دهی به آداب مرتبط با دوره قاعدگی؛ جداسازی موقت زنان از برخی وظایف روزمره
۵	تدفین مردگان	۳	آلودن آب و آتش پس از حمل جسد ممنوع (فصل ۳۲)؛ لزوم انجام برش‌نوم (فصل ۷۳)	حفظ بهداشت عمومی و احترام به عناصر طبیعت
۶	تناول غذا	۵	تناول گوشت مردار ممنوع (فصل ۴۹)؛ ذبح نامشروع حیوانات ممنوع (فصل ۷۰)	تنظیم آداب تغذیه و تمایز سبک زندگی دینی
۷	طبابت	۱	درمان با جادو و گیاهان زهرآگین ممنوع (فصل ۲۴)	نظارت بر دانش درمانی و حفاظت از مردم
۸	بهداشت فردی - آرایشی	۴	ایستاده ادرار کردن ممنوع (فصل ۳۸)؛ استفاده از موی دیگران ممنوع (فصل ۸۳)	تنظیم آداب فردی بر اساس هنجارهای دینی

تبدیل می‌شود. البته این سازوکارها منحصر به سنت زرتشتی نیست و در بسیاری از نظام‌های دینی و فرهنگی نیز می‌توان نمونه‌های مشابهی یافت. آنچه در پی می‌آید، تحلیلی ساختاری از کارکردهای گفتمان طهارت در بستر تاریخی - اجتماعی ساسانی است.

در این بخش، لایه سوم تحلیل فرکلاف یعنی عمل اجتماعی به تفصیل بررسی می‌شود. پرسش محوری این است: این گفتمان در جامعه ساسانی چه کارکردهای عینی (در جهت نظم‌بخشی و همبستگی) داشته است؟

تبصره روش‌شناختی: جدول فوق دسته‌بندی احکام طهارت در متن است. تحلیل کارکردهای نظم‌بخشی این احکام در بخش بحث و با استفاده از رویکرد دوگانه درون‌گرا / برون‌گرا ارائه خواهد شد.

بحث

یافته‌های سه‌لایه نشان دادند که گفتمان طهارت در ارداویراف‌نامه از طریق ساختارهای زبانی دوگانه‌ساز (لایه متنی) و مکانیسم‌های خودنظارتی مبتنی بر آگاهی از پاداش و مجازات (لایه عمل گفتمانی)، به نظامی معناساز و نظم‌بخش

به ایجاد هماهنگی اجتماعی و تقسیم کار مبتنی بر باورهای دینی یاری می‌رساند. چوکسی (۱۹۸۹ م.) این سازوکار را در چارچوب «نظام پاکی و ناپاکی به عنوان عامل همبستگی اجتماعی در جهان‌بینی زرتشتی» تحلیل کرده است (۱۶).

۲-۱. احکام مجامعت و فرزندانآوری: تحکیم خانواده و بقای جمعیت

۱-۲-۱. رویکرد درون‌گرا: در ارداویرافنامه، مجامعت تنها در چارچوب ازدواج و با رعایت شرایط طهارت مجاز است. نزدیکی با زن دشتان (فصل ۷۴)، لواط (فصل ۳۷، ۴۲)، زنا (فصل ۴۳) و روسپی‌گری (فصل ۸۲) از گناهان بزرگ شمرده شده‌اند (۱). همچنین سقط جنین (فصل ۲۳) و امتناع از شیر دادن به فرزند (فصل ۶۲) مستوجب عذاب سخت هستند. از منظر زرتشتی، این احکام برای حفظ بقای نسل، سلامت اخلاقی جامعه، تقویت بنیان خانواده و جلوگیری از آلودگی کیهانی وضع شده‌اند.

۲-۲-۱. رویکرد برون‌گرا: این احکام در سطح اجتماعی به تحکیم نهاد خانواده و تضمین بقای جمعیت در شرایط دشوار تاریخی (جنگ‌های طولانی ساسانی با روم و تهدیدات مرزی) یاری می‌رساندند. تأکید بر ممنوعیت سقط جنین و امتناع از شیردهی را می‌توان در چارچوب سیاست‌های جمعیتی جوامع باستانی برای مقابله با کاهش نرخ زادوولد تحلیل کرد (۱۸). حتی حکم نگهداری فرزند نامشروع توسط مادر (فصل ۲۳) (۱) در بافتار خود می‌توانست نوعی حمایت حداقلی از کودکان در جامعه‌ای با امکانات رفاهی محدود تلقی شود.

۲. نظم‌بخشی به روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی

۱-۲-۱. رویکرد درون‌گرا: در ارداویرافنامه، پاکی به عنوان فضیلتی همگانی برای همه زنان و مردان، صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی، تجویز شده است. متن به صراحت نمی‌گوید که فقرا ناپاک‌تر یا ثروتمندان پاک‌تر هستند. از منظر درون‌گرای زرتشتی، طهارت یک تکلیف جهانی است که همگان به یک اندازه مخاطب آن هستند. این رویکرد از جهتی نوعی برابری‌طلبی دینی را به نمایش می‌گذارد: پاکی در گرو ثروت یا نسب نیست، بلکه در گرو ایمان و عمل است.

همان‌گونه که در بخش مواد و روش تأکید شد، تحلیل حاضر از رویکرد دوگانه درون‌گرا - بیرون‌گرا پیروی می‌کند: نخست هر مسئله از منظر جهان‌بینی درون‌گرای زرتشتی تبیین می‌شود (آنچه نویسندگان متن به آن باور داشتند و برای آن ارزش قائل بودند)، سپس کارکردهای عینی آن گفتمان در نظم‌بخشی به روابط اجتماعی نشان داده می‌شود.

۱. سامان‌دهی روابط جنسیتی و خانوادگی: این بخش به دو گروه اصلی از احکام می‌پردازد: نخست، احکام ویژه زنان در دوران دشتان (قاعدگی)؛ و دوم، احکام مربوط به آمیزش جنسی و فرزندانآوری که دامنه‌ای فراگیرتر داشته و هر دو جنس را شامل می‌شود.

۱-۱. احکام دشتان: تلفیق باور کیهانی و نظم اجتماعی

۱-۱-۱. رویکرد درون‌گرا: در جهان‌بینی زرتشتی، دوره دشتان زمانی است که به باور دینی، اهریمن یا دیوی به بدن زن راه می‌یابد و او را ناپاک می‌کند (۳، ۱۶). در این دوره، تماس زن با عناصر مقدس طبیعت (آب، آتش، خاک) می‌تواند آن عناصر را نیز آلوده سازد و نظم کیهانی را به خطر اندازد. از این رو، احکامی برای جلوگیری از این آلودگی وضع شده است: زن دشتان نباید به آب و آتش نزدیک شود، نباید غذایی بپزد و نباید با همسر خود مجامعت کند (فصل ۲۰، ۷۵-۷۴) (۱). این احکام، از منظر زرتشتی، ضرورتی کیهانی برای حفظ پاکی جهان است و شاید فرصتی برای استراحت و رهایی زنان از وظایف روزمره در آن دوره محسوب می‌شده است.

۲-۱-۱. رویکرد برون‌گرا: این احکام، صرف‌نظر از مبانی کیهانی‌شان، در عمل به نظم‌بخشی به روابط اجتماعی نیز یاری رسانده‌اند:

۱-۲-۱-۱. ایجاد چارچوبی روشن برای آداب اجتماعی: در جامعه‌ای که مفاهیم پاکی و ناپاکی نقشی محوری در جهان‌بینی داشتند، این احکام مرزهای روشنی میان موقعیت‌های مختلف (دوره عادی / دوره دشتان) ترسیم می‌کردند و از این طریق به کاهش ابهام و اضطراب اجتماعی کمک می‌نمودند.

۲-۲-۱-۱. تمایز نقش‌های جنسیتی به شیوه‌ای معنادار: این نظام گفتمانی، با تعریف نقش‌های مشخص برای زنان و مردان،

۲-۲. رویکرد برون‌گرا: با وجود این، رعایت کامل احکام طهارت نیازمند دسترسی به منابع و دانش بود. این ویژگی مختص سنت زرتشتی نیست و در تمام جوامع پیشامدرن نیز دیده می‌شود: هر نظام آیینی - مناسکی برای اجرای کامل نیاز به زمان، دانش و گاه منابع مادی دارد.

۲-۲-۱. انسجام اجتماعی از طریق دانش مشترک: آیین‌های پیچیده طهارت (مانند تشخیص درجه آلودگی، نحوه صحیح برش‌نوم، موارد جواز و عدم جواز) نیازمند دانش تخصصی بود که در اختیار موبدان قرار داشت (۱۳). این وابستگی متقابل بین مردم عادی و طبقه روحانی در بافتار آن زمان پذیرفته شده بود و به ایجاد شبکه‌ای از همبستگی اجتماعی و اعتماد متقابل یاری می‌رساند.

۲-۲-۲. مشروعیت‌بخشی به نظم اجتماعی از طریق پیوند با ارزش‌های دینی: در توصیف، بهشتیان «فرمانروایان»، «کدخدایان» و «کشاورزان نیکوکار» هستند (فصل ۸-۱۵) (۱). در مقابل، دوزخیان، افرادی با رفتارهای نکوهیده (دروغ، دزدی، نافرمانی از موبدان) بازنمایی می‌شوند. این همبستگی گفتمانی میان پاکی و راستکاری از یک سو و موقعیت اجتماعی از سوی دیگر، هرچند ممکن است امروزه محل تأمل باشد، در بافتار خود به انسجام اجتماعی و وفاداری به هنجارهای مشترک کمک می‌کرد. جوامع دینی باستانی برای بقای خود نیازمند وفاداری اعضا به نظم موجود بودند و دین یکی از کارآمدترین ابزارها برای ایجاد این وفاداری محسوب می‌شد (۱۹).

۳. تقویت هویت جمعی و همبستگی در برابر تهدیدات

۳-۱. رویکرد درون‌گرا: ارداویراف‌نامه در دوره‌ای تألیف شده که جامعه ساسانی با تهدیدات اقوام خارجی (رومیان، هپتالیان، خزرها و اعراب) و جنبش‌های داخلی (مانند شورش مزدک) مواجه بوده است (۱۸). در چنین بافتاری، تأکید بر هویت مشترک دینی، کارکردی انسجام‌بخش و یکپارچه‌ساز دارد. رعایت دقیق طهارت، نشانه وفاداری به اهورامزدا و تمایز از کسانی است که دین را تحریف کرده‌اند (مانند اسکندر «گجسته» در فصل ۱) (۱).

۳-۲. رویکرد برون‌گرا: گفتمان طهارت در این متن، دست‌کم سه کارکرد مثبت در سطح هویت جمعی داشته است:

۳-۲-۱. تقویت همبستگی ملی در برابر تهدیدات خارجی: رعایت دقیق احکام طهارت به یکی از معیارهای اصلی «زرتشتی وفادار به هنجارهای دینی» تبدیل می‌شود. در شرایط تهدید خارجی، تأکید بر این هویت مشترک به انسجام درون‌گروهی، وفاداری به نهادهای دینی و سیاسی، و افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر فشارهای خارجی یاری می‌رساند. این پدیده - یعنی تقویت هویت جمعی از طریق نشانه‌های دینی و فرهنگی در شرایط بحران.

۳-۲-۲. ایجاد مرزهای نمادین معنابخش: احکام مربوط به عناصر طبیعت (آب، آتش، خاک) و آداب تناول غذا (مانند عدم تناول مردار، ذبح آیینی) مرزهای نمادینی میان زرتشتیان و پیروان دیگر ادیان ایجاد می‌کند. این مرزها نه فقط باورهای دینی، بلکه سبک زندگی روزمره را نیز دربر می‌گیرند و بدین‌ترتیب، هویت جمعی را در سطحی ملموس و روزمره تثبیت می‌کنند.

۳-۲-۳. حفظ انسجام اجتماعی در برابر جنبش‌های گسست‌گرا: در شرایط بحران داخلی، گفتمان طهارت با تأکید بر احکام سختگیرانه در حوزه مجامعت و خانواده، به عنوان سپری برای حفظ نظم اجتماعی و مقابله با هرج و مرج عمل می‌کرد (۲۰). شورش مزدک در اواخر دوره قباد اول (۵۳۱-۴۸۸ م.) که خواستار برابری اجتماعی و اشتراک زنان بود، نمونه‌ای بارز از این گسست اجتماعی به شمار می‌رود؛ سرکوب این جنبش توسط انوشیروان با هدف بازگرداندن نظم اجتماعی و احیای هنجارهای بنیادین خانواده صورت گرفت (۱۱). از این منظر، گفتمان طهارت نه ابزار سرکوب، بلکه سپر محافظ جامعه در برابر فروپاشی هنجارهای بنیادین تلقی می‌شده است (۲۱).

۴. جمع‌بندی تحلیل سه‌لایه در تعامل پویا: تحلیل سه‌لایه نشان می‌دهد که گفتمان طهارت در ارداویراف‌نامه با بهره‌گیری از:

- ساختارهای زبانی دوگانه‌ساز (لایه متنی: دوگانه پاک / نجس، افعال امری، وجهیت قطعی)؛

- مکانیسم‌های خودنظارتی (لایه عمل گفتمانی: آگاهی از پاداش و مجازات، بینامتنی مشروعیت‌بخش)؛

- نظم‌بخشی به روابط اجتماعی (لایه عمل اجتماعی: سامان‌دهی روابط جنسیتی، همبستگی اجتماعی، هویت جمعی) به نظامی کارآمد برای معنا بخشیدن به جهان، کاهش دلهره در مواجهه با آلودگی و مرگ و ایجاد انسجام اجتماعی در شرایط تاریخی دشوار تبدیل می‌شود.

نکته مهم آنکه این تحلیل به دنبال محکومیت یا تخطئه یک سنت دینی نیست. نظام‌های مشابه «پاکی و ناپاکی» در بسیاری از فرهنگ‌ها و ادیان نیز وجود داشته و دارند. آنچه در این پژوهش بررسی شد، کارکردهای جهان‌شمول این نظام‌های معناساز است: آن‌ها به انسان‌ها کمک می‌کنند تا جهان خود را منظم و قابل پیش‌بینی ببینند، مرزهای گروه خودی را تعریف کنند و در برابر تهدیدهای بیرونی و درونی تاب‌آور باشند.

نتیجه‌گیری

ارداویراف‌نامه در ظاهر، روایتی دینی از سفر روحانی یک موبد به جهان دیگر است، اما در لایه‌های عمیق‌تر، سندی گویا از چگونگی تبدیل یک نظام کیهانی - بهداشتی به چارچوبی معنابخش و نظم‌دهنده برای زندگی جمعی است؛ فرآیندی که طی آن، باورهای کیهانی از طریق سازوکارهای زبانی، بینامتنی و اجتماعی به هنجارهای نظم‌بخش تبدیل می‌گردند. این پژوهش با کاربست تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (سه لایه: متن، عمل گفتمانی، عمل اجتماعی) و با استفاده از رویکرد دوگانه درون‌گرا / برون‌گرا برای اجتناب از زمان‌پریشی، نشان داد که «طهارت» نه یک مفهوم بهداشتی یا آیینی صرف، بلکه دستگاهی گفتمانی است که هم به معنابخشی جهان (از منظر درون‌گرا) و هم به نظم‌بخشی روابط اجتماعی (از منظر برون‌گرا) یاری می‌رساند. یافته‌های اصلی پژوهش را می‌توان در سه سطح خلاصه کرد:

۱. در سطح متنی: دوگانه‌سازی نظام‌مند «پاک / نجس» استفاده گسترده از افعال امری و نهی، و وجهیت قطعی جملات، چارچوبی روشن و بدون ابهام برای تشخیص درست

از نادرست ایجاد کرده است. الگوی تکرارشونده «گناه - مجازات» در فصول ۱۹ تا ۹۸، پیوند میان کنش دنیوی و پیامد اخروی را به عنوان «حقیقتی بدیهی» در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند.

۲. در سطح عمل گفتمانی: روابط بینامتنی گسترده با متون کهن زرتشتی به احکام طهارت مشروعیتی تاریخی و الهی می‌بخشد. استعاره‌های «بهشت - سلامت» و «دوزخ - بیماری» مفاهیم انتزاعی اخلاقی را به تجربیات ملموس جسمانی پیوند می‌زنند و رعایت طهارت را نه فقط یک وظیفه دینی، بلکه ضرورتی برای حفظ سلامت فردی و اجتماعی جلوه می‌دهند. مکانیسم‌های آگاهی از پاداش و مجازات، نوعی خودنظارتی را فعال می‌کنند که در آن خود فرد به ناظر رفتار خویش تبدیل می‌شود.

۳. در سطح عمل اجتماعی: گفتمان طهارت در بستر تاریخی - اجتماعی ساسانی کارکردهای نظم‌بخش متعددی داشته است: (۱) سامان‌دهی به روابط جنسیتی و خانوادگی از طریق احکام مربوط به دشتان، مجامعت و فرزندآوری که به تحکیم خانواده و بقای جمعیت یاری می‌رساند؛ (۲) مشروعیت‌بخشی به نظم اجتماعی از طریق هم‌ارزی پاکی با راستکاری و وفاداری به هنجارهای مشترک؛ (۳) تقویت همبستگی و هویت جمعی از طریق تعریف مرزهای «خودی» در برابر «دیگری» که در شرایط تهدیدات خارجی و داخلی، نقش سپر محافظ جامعه را ایفا می‌کرده است.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش یعنی چگونگی تبدیل گفتمان طهارت به نظامی معنابخش و نظم‌دهنده، باید گفت این تبدیل از طریق تعامل پویای سه لایه صورت می‌گیرد: ساختارهای زبانی دوگانه‌ساز (لایه متنی) زمینه را برای درونی‌سازی هنجارها فراهم می‌کنند؛ مکانیسم‌های پاداش، مجازات و بینامتنی (لایه عمل گفتمانی) این هنجارها را در ذهن مخاطب تثبیت و طبیعی‌سازی می‌کنند؛ و در نهایت، این هنجارهای درونی‌شده در سطح جامعه به ایجاد نظم، همبستگی و معنای مشترک یاری می‌رسانند (لایه عمل اجتماعی).

سخن پایانی اهورامزدا به ارداویراف که «هر چه پاکی و پدییایی که شما انجام می‌دهید... همه را من می‌دانم» (فصل ۱۰۱)، این گفتمان را از سطح یک توصیه صرف به سطح نظامی زیر نظارت الهی ارتقا می‌دهد. این جمله، طهارت را به حلقه‌ای مرکزی در زنجیره‌ای تبدیل می‌کند که «باور دینی»، «کنش روزمره» و «نظم اجتماعی» را به هم پیوند می‌زند.

سهم نویسندگان

سیده مریم بدلا و مائده علیپور: گردآوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر یافته‌ها، و مشارکت در تدوین پیش‌نویس اولیه مقاله. مریم محسنی سیف‌آبادی: طراحی مفهومی و ایده‌پردازی پژوهش، گردآوری و تحلیل داده‌ها، ویرایش انتقادی و نگارش نسخه نهایی. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تایید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازین اخلاق پژوهش شامل رعایت اصالت متون، صداقت علمی و امانتداری در استناد به منابع به طور کامل رعایت شده است. همه مستندات و داده‌های مورد استفاده با ذکر دقیق منابع و رعایت حقوق مؤلفان منتشر شده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در این پژوهش، از ابزار هوش مصنوعی «کیون چت» (Qwen Chat) مبتنی بر مدل «کیون ۳،۷-پلاس» (Qwen3.7-Plus) تنها به صورت محدود و

References

1. Gignoux P. *Ardā Wirāz Nāmag*. Edited by Amouzgar J. Tehran: Moein Publications; 1993. p.25, 38, 41, 44-48, 52, 64-67, 70, 72, 74, 78, 82, 86, 88, 90-91, 94-97. [Persian]
2. Tafazzoli A. *History of Iranian Literature Before Islam*. Tehran: Sokhan Publications; 2007. p.167-168. [Persian]
3. Doustkhah J. *Avesta*. Tehran: Morvarid Publications; 2007. p.1-13, 40, 246. [Persian]
4. Amouzgar J, Tafazzoli A. *The myth of the life of Zoroaster*. Tehran: Cheshmeh Publications; 2007. Vol.1, 16 p.161. [Persian]
5. Yasami R. *Ardā Wirāz Nāmag yā Bihišt va Duzakh dar Ā'in-i Mazdēstī*. Tehran; 1935. p.1-42. [Persian]
6. Afifi R. *Ardā Wirāz Nāmag: Bihišt va Duzakh dar Ā'in-i Mazdēsnī*. Tehran: Tūs Publications; 1963. p.1-208. [Persian]
7. Bahar M. *Pajūheshī dar Asātīr-e Īrān*. Tehran: Agāh; 2014. p.300-336. [Persian]
8. Soltani S. *Women's Sins in the Ardā Wirāz Nāmag*. *Women in Development and Politic*. 2005; 3(13): 143-154. [Persian]
9. Rabiee-Zadeh A, Hasani MM. *An Examination of the Family Institution Structure in the Sasanian Era Based on the Ardā Wirāz Nāmag*. *History research paper*. 2017; 12(48): 53-71. [Persian]
10. Rabiee-Zadeh A, Hasani MM. *An Analysis of the Economic Structures in the Ardā Wirāz Nāmag*. *Research on the economic history of Iran*. 2015; 4(2): 55-72. [Persian]
11. Bahrami M, Hojjati Najafabadi S. *The Status of Women in the Sasanian Social System in the Post-Mazdakite Era and Its Impact on the Composition of the Ardā Wirāz Nāmag*. *History of Islam and Iran*. 2021; 31(51): 73-95. [Persian]
12. Fairclough N. *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press; 1992. p.1-259.
13. Boyce M. *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*. London: Routledge; 2001. Vol.3, 11 p.11, 45, 120-121, 756-757.
14. Razi H. *Translation and Commentary of the Vendidad*. Tehran: Bahjat Publications; 2006. Vol.8, 16 p.12, 35-72. [Persian]
15. Tafazzoli A. *Mēnōy-i Khrad*. Tehran: Publications of Iranian Culture Foundation; 1975. p.7, 10, 30, 52. [Persian]
16. Choksy JK. *Purity and Pollution in Zoroastrianism: Triumph over Evil*. Austin: University of Texas Press; 1989. p.53-54, 63, 71.
17. Mazdapour K. *Shayest nē Shayest*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research; 1990. p.235. [Persian]
18. Christensen A. *Iran in the Time of the Sassanids*. Tehran: Negah Publication; 1938. p.107.
19. Kalmin RL. *The sage in Jewish society of late antiquity*. Psychology Press; 1999. p.10.
20. Yarshater E. *The Cambridge History of Iran: The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*. Cambridge: Cambridge University Press; 1983. Vol.3 p.995-996.
21. Polzer NC. *The Talmud's Red Fence: Menstrual Impurity and Difference in Babylonian Judaism and its Sasanian Context*. Oxford: Oxford University Press; 2020. p.51-67.